شهید آوینی(فیلمساز) معلم (شاعر) آل احمد (نویسنده) حسن حسینی (شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده) ابوالفضل عالی (گرافیست) شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) صفار زاده(نویسنده) حمید سبزواری(شاعر) مهرداد اوستا(شاعر) اکبر خلیلی(نویسنده) فرج الله سلحشور (فیلمساز) نصرالله مردانی (شاعر) مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) علی نصیریان(بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) حبیب الله معلمی (شاعر)

به بهانه روز قلم

قلم و روح توحیدی

■ علیرضا آل یمین

ن والقلم و مایسطرون اولین کلامی است کـه وقتی بخواهی از قلم بنویسی بر دل کاغذ می نشیند . گویی حضرت پروردگار با این کلام حجت را تمام کرده و سخن را به پایان برده است و هر چه من و تو قلم را شـرح و بیان گوییم باز حق آن ادا نخواهد شد .

امـا پیامبر رحمت ، مداد العلما را افضل من دما شهدا خوانده اند.مرکّب قلم عطف به عالم شده است و علم و عالم در فرهنگ اسـلامی تعریف مشخص و معینی دارد که آن حضرت در کلام دیگری فرموده اند أوّل العلم معرفه الجبّار و آخر العلم تفویض الأمر الیه. که این حدیث شـریف ناظر بر توحید نظری و عملی است و توحید شرط اصلی واساسی بندگی و کار عالم هم شناخت جباریت حضرت حق و حیات متناسب با این شناخت است تا قلمش جان بگیرد و جوهر جان قلم مقامی اعلی تر از خون شهید یابد. انعکاس کشف و شهود عالم معنا و معرفت با چنین قلمی رخ می‌دهد و آیینه ای می شود که رخ یار می‌نمایاند و لاغیر. این قلم جز از خدا ، با خدا و برای خدا نمی نویسد . نویسنده ای که به معرفه الجبار نائل آمده باشد چنان مبهوت و مسحور است که قلم نه به واسطه علم زمینی او، بلکه متصل به منبع فیض الهی خواهد چرخید. نویسـنده ای که کارش را به حضرت حق وانهاده اسـت قلمش را به مرکب نان و نام نمی آلاید و جز رضای آن یگانه بی همتا نمی‌جوید و دل به خوشـایند این و آن نمی بنـدد . چنین قلمی در پشـتیبانی حـق برنده تر از شمشیر حضرت حمزه سیدالشهدا و مالک اشتر است

و در سـتایش و مدح حقیقت، لطیف و شیوا همچون قصائد دعبل و کمیت و فرزدق .

قلم اگر در دست اهل معرفت باشد نعمت است و در دسـت جاهل بدمسـت نقمت. برخی همچون فاووست، دل و دین و عقل و هوششان را می فروشند به ابلیس . نان می خرند و جان می فروشـند . دین می دهند و دنیا می گیرند . روح که دمخور شیطان شد بوی تعفن می دهد و از قلم صاحب چنین روحی لجن می تراود . دیگر قلم در دستی است که از آستین شیطان بیرون آمده . زبان باز است و متکلف. مار خوش خط و خالی که می نازد و می خرامد تا شـرنگش را در رگ هـای فرهنگ یک ملت فرو ریزد. قلم این بار سـاز غفلت و بی خبری کوک می کند و نفس های فربه را می فریبد . قلم هش دار و هشیار باش نیست . قلـم هزار توی بی آغـاز و انجامی را می نمایاند که یک سـر در آخور شهوات فرو کرده است و سر دیگر در باتلاق دنیازدگی. اما زمانه ما مثل همیشـه تاریخ هر دوی این جماعت را به خود دیده است. بزرگترین رخداد قرن حاضر یعنی انقلاب اسلامی از مرکّب قلم رنگ گرفت و جاری شد در کوی و برزن . آن ها که دم عیسوی داشتند دمیدند درکالبد کلمات تا جان بگیرند و عصیان کنند . فرقی هم نمی کرد مطهری باشی در دین و فلسفه یا جلال آل قلم در ادب و فرهنگ.پس از انقلاب هم به لطف لطافت های حضرت روح‌الله از این زادن ها بسیار بود و باز فرقی نمی کرد که قیصر باشـی در شـعر یا حتی سید شهیدان اهل قلم، مهم همان روح توحیدی بود که در وجود هنرمند و نویسنده متعهد دمیده شده باشد.

عصر تباهی کاریکاتور شد

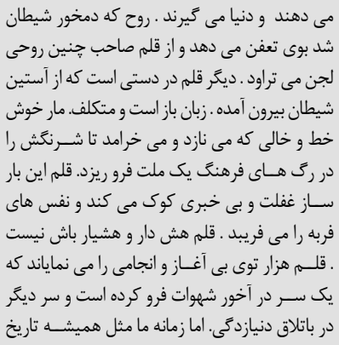

مجموعـه‌ای از کاریکاتورهـای یکـی از هنرمندان جوان با موضوع بررسـی حکومت پهلوی منتشر شد.

به گـزارش خبرنـگار کیهان کتـاب «عصر تباهـی» کاریکاتورهای مهدی امینی اسـت که با موضوع تاریخ پهلوی دوم شناخت ریشه‌های انقلاب اسلامی توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار شده اسـت.این کتاب در کنار هر یک از کاریکاتورها با یادداشت‌های کوتاهی به زبان فارسی و انگلیسی به بررسی موضوعاتی همچون فساد مالی و اخلاقی شاه و دربار، تسـلط آمریکا بر حکومت پهلوی، خفقان ساواک و مبارزات مردمی، ولخرجی‌های دربار و فقر حاکم بر جامعه و... پرداخته اسـت.مهدی امینی با کاریکاتورهـای خود در قالب هنر و با زبان طنز به بازخوانی تاریخ و اتفاقات دوران ستم‌شاهی پرداخته و با طرح مباحث کاربردی و تاریخی تصویری شفاف از آن دوران به مخاطب انتقال می‌دهد.کتاب عصر تباهی مجموعـه‌ای از ۴۰ اثر کاریکاتور با تکنیک اجرایی آبرنگ است که آن را می‌توان از معدود آثار تاریخ انقلاب اسلامی با این سبک دانست.

به مناسبت روز ادبیات کودک و نوجوان ، ۱۸ تیر

اوج شکوفایی و رونق ادبیات کودک و نوجوان را باید در سال های ۶۰ و ۷۰ جست وجو کنیم . در سال های پس از انقلاب و دفاع مقدس درست در دهه ۶۰ و ۷۰ با حضور نسل جدیدی از نویسندگان شاهد اوج و بالندگی و رونق ادبیات کودک و نوجوان بودیم . در زیر با نویسندگان این عرصه در خصوص علت بالندگی و رونق ادبیات دهه های یاد شده نسبت به این دوران ، گفت و گو کرده ایم که می خوانید :

■ لیلا کریمی

ادبیات کودک و نوجوان ۶۰ و ۷۰ همچنان ادامه د ارد

■ محمد میر کیانی

دهـه ۶۰ را آغاز طوفانی ادبیات کودک و نوجوان باید دانسـت . چهره های بسیاری در ایـن دهه در ادبیات کـودک و نوجوان مطرح شدند . این چهره ها غالبا عناصری بودند که بعـد از ایجاد یک فضای باز در عرصه تفکر و اندیشه نه به عنوان یک شغل بلکه به صورت یک انجام وظیفه وارد این حوزه شـدند . آن زمان به خاطر شـوق و اشتیاقی که در عرصه ادبیات وجود داشت نویسندگان زیادی وارد فعالیت گسترده ای در این عرصه شدند.

واقعیت این اسـت در آن دوران افرادی که به عنوان نویسنده و شاعر و مترجم کودک و نوجوان اثر می آفریدند، مورد حمایت جدی تصمیم سازان کشور بودند . نظام جمهوری اسلامی یک نظام نو پا بود و بسیار به ادبیات کودک و نوجوان در آن دوران احسـاس نیاز می شد و از نظر نیازهای فرهنگی و تثبیت پایه های نظام باید از تمام ظرفیت ها بهره می بردیم . آن دوران، دوره ایثارگری با جان بود و نویسـندگان ادبیات کودک و نوجوان هم با پیروی از فضای دفاع مقدس در فضای فرهنگی ایثارگرایانه بدون کمترین توقع کار می کردند .

نویسـندگان ادبیات کـودک و نوجوان در آن روزگار در همـه بخش های آثـار مکتوب و حوزه شنیداری و دیداری فعال بودند . تحت تاثیر همین ادبیات بود که سـینمای کودک و تئاتر کودک هم آثار ماندگاری خلق و تولید شد . این امر را می‌توان به این علت دانست که برای ادبیات کودک و نوجوان رقیب آشکاری وجود نداشت و عرصه ادبیات کودک و نوجـوان برجسـته تر بود و نه مثـل الان عرصه فعالیت برای رسانه های شنیداری و دیداری چون ماهواره و اینترنت و بازی های اینترنتی و شبکه های خانگی وجود نداشت و این موارد عرصه فعالیت را برای ادبیات کم می کند .

در دهه ۶۰ تلویزیون یک ساعت تا یک ساعت و نیم برنامه کودک و نوجوان داشت ولی بعدها به چندین ساعت افزایش یافت . در دوره ای سال ۸۷ به عنوان مدیر گروه کودک شبکه دو سیما بودم که برای اولین بار بحث شبکه کودک به صورت رسمی مطرح شـد و روزانه هشت ساعت برنامه کودک و نوجوان تولید می کردیم .

فعـال ترین برنامه آن زمان در عرصه رسـانه " قصه ظهر جمعه " بود که من به عنوان سـردبیر و نویسـنده غالب قصه هـا فعالیت می کردم . در آن زمان خاص نویسـندگان با تمام وجود فعالیت می کردند و در تمام عرصه رسـانه های دیداری و شـنیداری فعال بودنـد . خدا رحمت کند مرحوم امیرحسین فردی را در مجله کیهان بچه ها خیلی فعال بود و آقای رهگذر و رحماندوست بسیاری از شـاعران و نویسـندگان کودک و نوجوان حمایت می‌کردند . بالاخره فضا، یک فضای ویژه و اثرگذار بود . ما نباید فکر کنیم آن دوران تمام شـده است بلکه دهه ۶۰ و ۷۰ همچنان ادامه د ارد ولی اثر آن متفاوت است . بسیاری از نویسندگان و مترجمین و شاعران و فعالان این عرصه در حال حاضر فعال هستند و این چراغ را روشن و نورانی حفظ کرده‌اند و این ثمره همان دهه ۶۰ و ۷۰ است .

در حال حاضر نسبت به آن دوران نویسندگان بیشتری داریم اما عرصه نویسندگی عرصه نیاز به تجربه اندوزی اسـت و خیلی از نویسندگان جوان امروز در فردا به عنوان نویسندگان باتجربه و فعال مطرح می شـوند و انتظارامان را نسـبت به آن روزگارها باید منطقی تر کنیم کما اینکه زمانی که ما نویسنده بودیم یکی از نویسندگان کودک و نوجوان فعـال قبل انقلاب گفته بود که این ها نویسـنده نیسـتند که چند کتاب دارند و الان دهها و صدها کتاب داریم و الان ما در جای آن ها ایستاده ایم .

بایـد زمان بگـذرد . عرصه ادبیات داسـتانی محـل تجربه و گـذر از تجربیات زندگی اسـت . همین نویسندگان جوان امروزی باید مورد حمایت قرار گیرند و در آینده نویسندگان فعال و با تجربه خواهند بود .

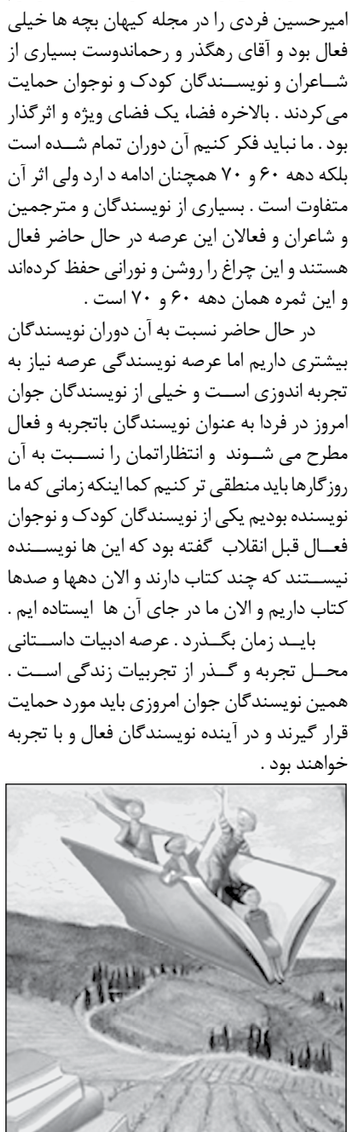

دهه۶۰ و ۷۰ "دوران شکوفایی" ادبیات کودک و نوجوان

■ مهدی کاموس

در مقایسه کمّی و کیفی ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب، باید چند نکته و محور را در نظر داشت: اول، چگونگی پیدایش و تحولات ادبیات کودک و نوجوان جدید در ایران و نقش پیروزی انقلاب اسلامی در آن.

دوم، نقش تحولات اجتماعی و سیاسـی در تلاطمات پـس از انقلاب مانند دوران دفاع مقدس، تحولات سـبک زندگی در دهه ۷۰ و ۸۰. سوم، تحولات دیدگاه های تربیتی، روانشناسی و انسان شناسی در حوزه کودک و نوجوان.

پس از توجه به این سه محور، باید نقش کاربردی دو عنصر "سیاسـت گذاری فرهنگی" و "اقتصاد نشر" را در رشد و تحول و ارزیابی ادبیات کودک و نوجوان مهم دانسـت.در یک تقسیم بندی اعتباری، ادبیات کودک و نوجوان در دهه ۴۰ و ۵۰، "دوران تأسیسی"خود را گذراند چنان که در دهه۶۰ و ۷۰ "دوران شکوفایی" و در دهه ۸۰ "دوران کاربردی" خود را طی کرده است.

پیـروزی انقلاب باعث شـد که ادبیـات کودک و نوجوان با رویکرد تربیت دینی مخاطبان در راستای یک نسـل انقلابی، به مسائل اجتماعی طبقه متوسط سنتی جامعه، بن مایه ها و باورهای مذهبی و آموزه های تربیتی بپردازد و نویسندگان جوان، متعهد و خوش ذوقی را به جامعه ادبی معرفی کند که ما همچنان از آنها به بزرگی یاد می کنیم.

واقعیت این اسـت که نویسندگان دهه ۶۰ و حتی ۷۰ غیـر از تاثیر تحولات فرهنگی انقلاب اسـلامی، از تحولات بزرگ اجتماعی مانند دفاع مقدس و همچنین اندیشه‌های تربیتی و روانشناسی متفکران مذهبی دهه ۶۰ و ۷۰ نیز تاثیر گرفته بودند.

به نظر من، موفقیت دهه ۶۰ ادبیات کودک تا حدود زیادی مرهون اندیشه ها و تلاش های دکتر شهید بهشتی، استاد مطهری، دکتر باهنر، دکتر شریعتی، مرحوم فلسفی و امثالهم در دهه ۵۰ بوده است.

همچنین سیاست گذاران فرهنگی دهه ۶۰ اهمیت ادبیات کودک و نوجوان را برای پرورش یک نسل انقلابی در راستای نهادینه کردن یک انقلاب نوپا؛ می دانستند و اقتصاد نشر تحت حمایت های دولتی در خدمت ادبیات کودک و نوجوان بود. ادبیات کودک و نوجوان در دهه ۶۰ و ۷۰ گام‌های بلندی را برداشت و در پایان دهه ۸۰ نیز در در حوزه تألیف و ترجمه به برقراری توازن نسبی رسید.

و امـا ادبیات کـودک در دهه ۸۰، به لحاظ کمی مانند شمارگان، تعداد نویسندگان، انجمن ها و نهادهای فعال، گردش مالی عرصه نشـر، جشنواره ها، جوایز ملی و بین المللی؛ نسـبت به دهه ۶۰ و ۷۰ بیشـتر و قابل توجه اسـت . باید توجه داشـت که دهـه ۸۰ "دوران کاربردی" ادبیات کودک و نوجوان اسـت و دیگر رشـد نویسـندگان و پیدایش آثار برتر و به اصطلاح "پدیده " همانند دوران تاسیسـی یا شـکوفایی به چشم نمی آید و در دهـه ۸۰ انتظار جامعه ادبـی از ادبیات کودکان و نوجوانان، بالاسـت؛ در حالی که باید آثار این دهه را با توجه به نوع سیاسـت‌گذاری فرهنگی و ظرفیت اقتصاد نشر در کنار پیدایش رسانه های رقیب مانند بازی های رایانه ای، سریال های داستانی تلویزیونی، انیمیشن ها و حضور در فضای مجازی بررسی و ارزیابی کرد. همچنین باید توجه داشت که در دهه ۸۰ آثار عامه پسند ترجمه با

مخاطبان دوگانه، مانند ادبیات ترسناک، پلیسی، معمایی، جادویی؛ رقیب جدی ادبیات کودکان و نوجوانان شده اند. اما همچنان مهمترین مسئله ادبیات کودک و نوجوان دهه ۸۰ و ۹۰ را باید ضعف انسـان شناسی دوران کودکی و دوران نوجوانی در ایران امروز، چندگانگی سیاست گذاری فرهنگی و ضعف اقتصاد نشر دانست.

مـن در جای دیگر هم گفتـه ام ؛ ادبیات کودک و نوجوان ایران در معرض سالخوردگی است. باید به دنبال نویسندگان جوان تر و نوقلم باشیم ؛ ناشران باید در کنار نویسندگان پیشکسوت، مشهور و صاحب نام از استعداد و ایده‌های نویسندگان نوقلم نیز استفاده کنند. همچنین گفته ام که نویسـنده ای در این حوزه موفق اسـت که آثـارش برخاسـته از ارتباط مؤثر و پایـدار با کودکان و نوجوانان باشـد. واقعیت این است که نویسنده‌ای که بر اساس خاطرات کودکی خود ، شناخت محدود به کودک یا حتی شناخت از طریق مطالعه سایر آثار موفق کودک و نوجوان می نویسد، نمی تواند خالق آثار ماندگار باشد و حضور مؤثر داشته باشد. آشنایی لازم و کافی نویسندگان با فضای ذهنی و زبان کودک و نوجوان امروز کشورمان، از طریق ارتباط مسـتمر با مخاطبان محقق خواهد شد والاّ از پشـت میز کار خود نمی توان آثار بومی موثر و جذاب برای کودکان ودانش‌آموزان از اقلیم های متفاوت نوشـت.واقعیت این اسـت که فرایند اجتماعی سازی کودک امروز بسـیار پیچیده شده اسـت. کودک امروز در کنار عوامل اجتماعی سـاز مانند خانواده ، مدرسه ، دوستان و رسانه‌های گروهی، با فضای متنوعی مجازی و سـریال‌های انیمیشـنی ماهواره‌ها روبه رو اسـت. کم رونقی کتاب کودک و نوجوان را باید در سیاسـتگذاری فرهنگی و اقتصاد نشر بررسی کرد. واقعیت این است که سیاستگذاران فرهنگی به دلایل نداشتن هماهنگی لازم با یکدیگر و در مواردی هم غفلت و در عرصه کتاب کودک و نوجوان ! به نظر من انجمنها ، تشکلها و خانواده ها بایـد نقش داوطلبانه خـود را در تولید و توزیع کتاب کـودک به یاد بیاورند.این داوطلبگی و خدمت رایگان از ایمان،عشـق و ایثار اعضای هر خانواده و تشـکل ریشه می گیرد.

ادبیات کودک و نوجوان آسیب پذیر شده است

■ علی اکبر والایی

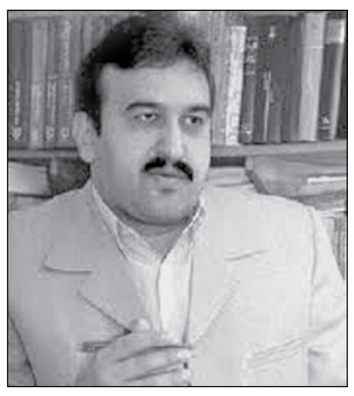

ادبیات کودک و نوجوان به شدت آسـیب پذیر شـده اسـت چـون آن توجه کمی که به موضوع فرهنگ و به خصوص ادبیات کودک و نوجوان وجود داشت ، برداشته شد .

نویسـندگان ادبیات کودک و نوجوان فراموش شدند و توجه به نویسندگان از بین رفت و توجه به ناشـران مورد غفلت واقع شد . در این سال ها نه تنها حمایتی صورت نگرفت بلکه مشکلاتی که هم در این عرصه بود لاینحل باقی ماند . در سال های اخیر نویسندگان قراردادهایی نداشتند و کتاب های تازه شـان هم مورد توجه و استقبال ناشران نسبت به قبل واقع نشد .

ضمن اینکه مشـکلات دیگر در ابعاد مختلـف در دهـه ۸۰و بـه خصوص در سال های پایانی آن ، سال های سخت و دشواری را برای ادبیات کودک و نوجوان رقم زد .

در این دهه ها به هر حال دوره ای بود که عصر ارتباطات خودش را نمایان نکرده بـود یعنی کـودک و نوجو ان ما با رایانه و اینترنت و ماهواره خیلی درگیر نبودند .در حقیقت این وسـایل و تجهیزات به حوزه کودک و نوجوان ورود پیدا نکرده بود و در دهه ۸۰ بیشتر شاهد حضور آنها هستیم .

نبودن این وسـایل و تجهیزات توجه بیشـتر مخاطبیـن را به عرصـه کودک و نوجوان جلب کرد ولی در دهه ۸۰ این اتفاق معکوس شد و مقدار مخاطبین حوزه کودک و نوجوان ریزش کرد و این عوامل باعث شد ادبیات کودک و نوجوان به خصوص در دهه ۸۰ آسیب ببینند .

در ابتـدای امـر مسـئولان و مدیران فرهنگـی باید دیدشـان را بـه این عرصه تغییـر دهنـد . و مدیـران شایسـته ای مسـئولیت این عرصه را بـه عهده بگیرند کـه دغدغـه آن را دارنـد و نـه اینکه به صرف اختیـار مسـئولیت کارهایی انجام دهند .

افـرادی باید مدیریت این بخش را به عهده بگیرند که خاک خورده ادبیات کودک و نوجوان باشند و در این حوزه با شناخت وارد شوند .

اگر در این بخـش اصلاحاتی صورت گیـرد مـی تـوان گام های دیگـر را هم برداشت .

چند علامت سوال

■ محمد عزیزی(نسیم)

ادبیات کودک و نوجوان در دهه ۶۰ متاثر از سال‌های پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس شاهد شکوفایی قلم شاعران و نویسندگانی بود که با خلق آثارشان کام تشنه مخاطبانشان را سیراب می کردند.

مـن در آن دوران دانش آموز نوجوانی بودم که هر هفته _ سه شنبه ها_ در برگ های ساده و کاهی کیهان بچه ها شاهد هنرنمایی و خلاقیت شاعران ، نویسندگان و تصویرگران کودک و نوجوان بودم.

در آن دوران و بعد از آن در دهه ۷۰ انسجام شاعران و نویسندگان نسبت به امروز بیشتر بود. جلسه شعر کیهان بچه ها که یک بار توفیق حضور در آن را داشتم ، میزبان تمام قله های شعر کودک و نوجوان ایران بود.

بعـد از آن دوران، مـن هرچـه گشـتم آن جمع صمیمی و پویا را در محافل گوناگون پیدا نکردم. بررسی تفاوت های آن دو دهه با امروز را می شود از جنبه های گوناگونی بررسـی کرد. من با توجه به علاقه ام به مقوله مطبوعات کودک و نوجوان، دوسـت دارم یادی کنم از نشریات فعال آن روزها.

کیهـان بچه هـا : قدیمی ترین نشـریه کودک و نوجوان ایران در آن روزها علاوه بر پاتوق اهل قلم بودن، رسـالت پرورشی اش را نسبت به کودکان و نوجوانان به خوبی انجام می داد.

کارشناسان ادبی و هنری ، با پاسخ دادن به تمام آثار رسـیده ، از طریق نامه و مجله در شناسایی و شکوفایی استعداد های ادبی و هنری موفق بودند.

مـن وقتی اولین نامـه را از کیهان بچه ها دریافت کردم، با شـوق فـراوان راه افتادم به طـرف کیهان و با برخورد خوب اهالی کیهان بچه ها، از آن روز تا به امروز از آن جدا نشده ام .

در اینجا لازم اسـت یادی کنم ازاسـتاد زنده یاد امیر حسین فردی، که به خاطر تلاش های صادقانه اش برگردن ادبیات کودک و نوجوان حق داشت. او از جمله کسانی بودکه نقش موثرش در دور هم جمع کردن اهالی ادبیات و هنر کودک و نوجوان، بر کسی پوشیده نیست.

کیهان بچه ها ی امروز هم با تمام فراز و نشیب هایی کـه دامن ادبیات کودک و نوجوان امروز را گرفته، ادامه دارد و هرهفته منتشـر می شود. هر چند با تغییر ذائقه مخاطبان امروز، لازم اسـت کیهان بچه ها هم دست به تحول بزند تا درجذب مخاطبان جدید، موفق تر باشد.

سـروش نوجوان: از اتفاق های ماندگار دهه ۶۰، بایـد به انتشـار ماهنامه ادبی و هنری سـروش نوجوان اشاره کرد.

انتشار این ماه نامه درفروردین ماه سال ۶۷ شروع شـد. سـردبیران جوان و کاربلد این نشریه، در ارتباط با نوجوانان شـاعر ونویسـنده و یا نوجوانان علاقه مند به مطالعه، موفق عمل کردند.

سـروش نوجوان ، هر ماه با تـازه ترین آثار ادبی و هنری شاعران و نویسندگان مطرح کشور ، منتشر می شد.

برخـورد صمیمانه سـروش نوجوان کـه با برپایی جلسـات تخصصی شعر و داسـتان برگزار می شد، آثار نوجوانان با استعداد و نوقلم را به سوی خود کشاند.

بعدها با تغییر مدیریت ها ، سروش نوجوان هم دست خوش تغییر شد و چند سالی با حال و هوایی متفاوت با گذشته اش چاپ شد.

در نهایت بنا بر دلایل نامعلومی، این چشمه زلال در اسفند ماه ۸۵ خشکید و باعث ناراحتی و بهت مخاطبان نوجوانش شد!

سوره نوجوانان: این ماه نامه ادبی و هنری از سوی حوزه هنری در سال ۶۹ منتشر شد. سوره نوجوانان هم مثل سـروش نوجوان ، مخاطبان خودش را پیدا کرد و بعد از چند سال فعالیت پربار ، بدون اعلام هیچ دلیلی، تعطیل شد!

سلام بچه ها: در اسفند ماه ۶۸ مجله ای در قم به دنیا آمد که نامش را سلام بچه ها گذاشتند. این حرکت با برکت از سـوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم صورت گرفت.

سـلام بچه های ساده و بی ادعا ، کم کم رشد کرد و شـد یکی از پویاترین نشریات نوجوان ایران. شاعران و نویسندگان خوب ، از سراسر کشور جواب سلام این مجله را به گرمی دادند.

ایـن ماهنامه که از بازماندگان نسـل نشـریات خوب نوجوان ایران اسـت این روزها خوب توزیع نمی شود و اگر شما سری به دکه مطبوعات بزنید و بگویید: سلام بچه ها . فروشنده جواب می دهد: علیک سلام!

از دیگـر نشـریات کـودک و نوجوان مـی توان از نهال انقلاب، شـاهد کودک و نوجوان، مجموعه نشریات دوست،مجلات رشد، همشـهری بچه ها ، دوچرخه و... نام برد که همه در پیشـبرد اهداف ادبیات و هنر کودک و نوجوان کشـورمان سـهیم بوده اند و در اینجا مجال بررسی آن ها نیست.

در پایـان ایـن نگاه کلی و جسـته و گریخته ام به مطبوعات کودک و نوجوان، چند علامت سوال در ذهن من است که دلم می خواهد مسئولین مربوط جواب دهند:

۱- چرا نشریات خوبی مثل سروش نوجوان و سوره نوجوانان دیگر چاپ نمی شود؟

۲- چـرا بـرای تقویت و آرایش جسـم کودکان و نوجوانان این همه نشـریات آشپزی و آرایشی داریم اما برای تقویت فکرشان ، تعداد نشریات خوب مان به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد؟

۳- با توجه به ویژگی ساختار زدای قرن حاضر که دو سـاختار ممنوع و مجـاز و دور و نزدیک را از بین برده ،چه رویه ای را باید در تربیت ادبی و هنری کودکان و نوجوانان پیش گرفت؟(*)

۴- در برابـر هجوم همه جانبـه فرهنگ غربی که مثل مهمان های ناخوانده ،در قالب انیمیشن، بازی های رایانه ای و ویدئویی، اسـباب بازی و... از سرتاسر جهان به وفور به اندیشـه کودکان و نوجوانان بلوتوث می شود، چه کار باید کرد؟

۵ – چـرا روزنامه های کـودک و نوجوان در ایران رشد نکرده و نشکفته پرپر شدند؟

۶- چـرا ادبیـات کودک و نوجوان تنهـا در تهران متمرکز شـده و استان های دیگر با تمام پتانسیل شان از آن محرومند؟

به عنوان مثال شهر مشهد با تمام توانایی های مالی و نیروهای خوب بومی اش ، در حسرت یک نشریه برای کودکان و نوجوانان می سوزد!

۷- بـرای از بین بردن یا کمتر کردن شـکاف بین سـلایق گوناگون اهالی دسـت به قلم کودک و نوجـوان که باعث تفرقه و از بیـن رفتن فرصت ها می‌شـود، چه تدبیـری باید اندیشـید؟در یک نگاه کلی من ادبیـات و هنر کودک و نوجوان را نیازمند همدلی و اتحاد شـاعران ، نویسندگانی می دانم که اگر دیر بجنبند، روز به روز مخاطبان خود را از دست می‌دهند؛ مخاطبانی که با آثار رنگارنگ فرهنگ های بیگانه از همه طرف محاصره شـده اند.به امید اینکه همه باهم برای شکوفایی دوباره نهال ادبیات کودک و نوجـوان تلاش کنیم. فکر می کنم یکی از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن های مختلف نویسندگان کودک و نوجوان ، تلاش برای رسیدن به این هدف مهم است.

(*) نگاهی دوباره به تربیت اسـلامی (ج ۲ فصل ۲)،دکتر خسروباقری، انتشارات مدرسه

شعر

نشانی

■ عبدالرحیم سعیدی راد

نه در «گوگل» نشانی از تو می توان یافت
نه در «فیس بوک»،
برای سر زدن به تو «فیلتر شکن» لازم نیست،
همه دلهایی که بدون «پسورد» بالا می آیند
نشانی از «تو» دارند.

گل نرگس

برای ماهی ها « کامنت »می گذارم
برای پرنده ها « اف لاین »
می خواهم عطر نامت را
برای همه « چت روم »ها بفرستم
می خواهم
« بک گراند » همه دلها تو باشی
گل نرگس من!

می آید...

شنبه ها گل می فروشم.
یک شنبه ، کفش هایم را واکس می زنم
و به زلزله ای که در راه است فکر می کنم.
دوشنبه ها را سکوت می کنم.
سه شنبه، ایمیل هایم را چک می کنم
و برای مرگ
لبخند می فرستم.
چهار شنبه ،
با دخترم به ملاقات خدا می روم.
پنج شنبه، شعر هایم را حراج می کنم.
جمعه ها ... اما،
فقط منتظر می مانم
می دانم که می آید.

غزل انتظار

پیش روی چشمانم یک درخت و یک جاده
انتظار، چون طوفان، تکیه بر دلم داده

بی حضورت ای خورشید! سر به صخره می‌کوبند
ابرهای باران‌زاد، موجهای آزاده

کوچه کوچه می‌گردد، ماه هم به دنبالت
گرچه اهل اینجا نیست، این دهاتی ساده

شاعرانه باید داد، دل به آتش عشقت
عاشقانه باید بود، در کنارت آماده

با تو می‌شود خوشبو، روز و شب ، ولی بی تو
می‌کشد به روی زخم، روزگار سمباده

پیش پایت ای مولا! - عاشقانه بی پروا -
سر به خاک می‌سایند سروهای آزاده

***

سه رباعی

■ سعید بیابانکی

مسـتی‌به‌شکسـتن‌سـبویی‌بنداسـت
هستی به بریدن گلویی بند است

گیسو مفشان ،توبه ی ما را مشکن
چون توبه ی عاشقان به مویی بند است ..!

از غیر تو بی نیاز کردند مرا
با عشق تو هم تراز کردند مرا

تا فاش شود فقط تو در قلب منی
جراحی قلب باز کردند مرا ...!

***

یک غزل جدید ...

افتاده در این راه، سپرهای زیادی
یعنی ره عشق است و خطرهای زیادی

بیهوده به پرواز میندیش کبوتر!
بیرون قفس ریخته پرهای زیادی

این کوه که هر گوشه آن پارهٔ لعلی است
خورده است بدان خون جگرهای زیادی

درد است که پرپر شده باشند در این باغ
بر شانهٔ تو شانه به سرهای زیادی

از یک سفر دور و دراز آمده انگار
این قاصدک آورده خبرهای زیادی

راهی است پر از شور، که می بینم از این دور
نی های فراوانی و سرهای زیادی

هم در به دری دارد و هم خانه خرابی
عشق است و مزینّ به هنرهای زیادی

بیچاره دل من که در این برزخ تردید
خورده است به اما و اگرهای زیادی

جز عشق بگو کیست که افروخته باشند
در آتش او خیمه و درهای زیادی...

***

مفهوم عشق

■ مهدی باقر

راز دوام گلشن و ابر و بهار چیست
مفهوم عشق، معنی قول و قرار چیست

هر روز روز حشر شد و شب شب فراق
ترسی ز روز واقعه و نور و نار چیست

بنگر! بدون سایه زلفت چه می کشم
از من مپرس روز چه و روزگار چیست

یک چند عاشقانه کنار دلم بمان
جز عشق در جهان فنا ماندگار چیست

ای روزگار! مشکل من حل نشد هنوز
مرگم رسید مرضی پروردگار چیست